



و شیوه‌های دراماتیک و هنری به کار رفته برای ترسیم این موضوع‌ها نیز منطبق بر ایدئولوژی و عقاید آنهاست. حال با این حساب برنامه سازان ما که علی القاعده باید برای ترویج مبانی اعتقادی دین مبین اسلام فیلم و سریال بسازند با چه توجهی به سراغ روش‌ها و ابزار ی رفته‌اند که از اساس با دین ما در تضاد و محل تقابل است؟ این پرسشی است که البته مدیران صداوسیما ابتدا باید پاسخگوی آن باشند.

البته این سخنان به این معنی نیست که صداوسیما باید به طور کلی از تولید و نمایش سریال‌های ماورایی و نمایشگر مفاهیم غیبی دست بردارد و این باب را تعطیل کند. اما باید از تقلید و سرمشق قرار دادن هالیوود در این حوزه به شدت پرهیز کرد و حتی با آن به مقابله برخاست. به جای استفاده از الگوهای غربی در بازتولید سینمایی ماوراءالطبیعه، باید الگوها و شیوه‌های رایجی بر اساس جهان بینی و اصول اسلامی – شیعی طراحی و اجرا شود. ای کاش مسئولان رسانه ملی به جای کپی‌برداری از روی دست همکاران خود در آن سوی آب‌ها، اهتمام و جدیت آنها در الگوسازی و تولید فکر در عرصه



هنرهای سینمایی و تلویزیونی را سرمشق قرار دهند. یکی از اقدامات درست دست‌اندرکاران رسانه ای در غرب و به خصوص آمریکا، تشکیل اتفاق فکر و کار فکری گروهی است. از درون همین اتاق‌های فکر آشناری بیرون می آید که توان ابلاغ ایدئولوژی‌های ضدانسانی صهیونیستی و ماتریالیستی را در هر جای دنیا دارند. لازم است که مسئولان رسانه ملی نیز هرچه سریع‌تر دست به کار شوند و با اقدام مشابه و متقابل، الگوهای نمایشی و دراماتیک منطبق بر احکام و جهان بینی اسلامی – شیعی را تولید کنند. اگر ایسن اتفاق رخ دهد، آن گاه خواهیم دید که آثار هنری برآمده از الگوهای انسان ساز ما می تواند راه نجات بشریت را بازتر کند.

ما خواستار تولید و پخش برنامه‌های دینی و ارزشی در تمام طول سال هستند و واقع نباید آنها را از نعمت تماشای این نوع برنامه‌ها در اوقات دیگر سال محروم کرد و تنها به ایام خاص و مناسبت‌ها بسنده کرد، هرچند که دیگر وقت‌های سال به‌انزازه ایام فریض ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر پر ثواب نخواهد بود و اصولا آن ایام یک فضای معنوی ویژه خود را به همراه دارد که بسیار مقبول و قابل مقایسه با دیگر ایام سال نیست اما منظر می‌رسد که برای فرهنگ سازی و استمرار فضای معنوی و نزدیکی بیشتر به خدا و اس با قرآن و همچنین کمک به نیازمندان جامعه می‌بایست شاهد تولید و پخش برنامه‌های دینی و ارزشی که رنگ و بوی ایام ماه مبارک رمضان داشته باشد را در دیگر اوقات سال از رسانه ملی بشیم. لطافت این برنامه‌ها می تواند برای همستگی و وحدت ملی و انقلابی ما بیشتر موثر واقع شود لذا حتماً نیایستی این نوع برنامه‌ها فقط در ایام خاص و مناسبت‌ها از تلویزیون پخش شود و به هر حال بایستی جایگاه ویژه‌ای را برای تولید و پخش ویژه برنامه‌های دینی که در ماه رمضان از رسانه ملی پخش می‌شود در دیگر ایام سال هم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کرد تا این حال و هوای معنوی همواره با برنامه‌های دینی و ارزشی به مخاطب منتقل شود و در واقع آن فرهنگ سازی دینی و ارزشی بطور مستمر در جامعه ما شکل گیرد که امر یقیناً بازتاب بسیار مثبت و خوبی در جامعه خواهد داشت و از بسیاری از انحرافات، پادخاقتی‌ها، فسادهای مالی، اجتماعی، ناهنجاری‌ها، بزهکاری‌ها و…منعانت تولید و پخش چنین برنامه‌هایی بپردازد چرا که مردم

با برگزاری راهبیمایی‌های میلیونی در شهرهای مختلف یمن تأیید شده است.
حکومت صنعا که هفت سال است از کشورش در برابر تجاوز ائتلاف غربی و عربی دفاع می کند با انقلاب سپس فرایندی دموکراتیک در یمن پذیرد آمد

از این رو قرابت مناداری با انقلاب اسلامی ایران دارد.
دقیقا یکی از دلایلی که رسانه‌های غربی دست به سانسور اخبار یمن زده‌اند همین نزدیکی یمن انقلابی با جمهوری اسلامی ایران است.
برنامه اینسایت زمینه‌ای را برای نماینده دولت صنعا فراهم کرده تا آزادانه و با در اختیار داشتن زمان کافی بتواند حقایق یمن را در عرصه بین‌الملل معرفی کند چرا که غرب و عربستان سعودی بسیار تلاش می‌کنند تا مردم‌سالاری در یمن را سانسور کرده و دولت چندصدایی صنعا را در حد یک گروه شورشی معرفی نمایند.
متأسفانه چنگنده‌های آمریکای انگلیس و عربستان با انهدام سامانه‌های ارتباطی و مخابراتی

آسیب‌شناسی سریال‌های ماورایی به بهانه بازپخش «او یک فرشته بود»، «اغماء» و «احضار»

چشم بسته از غیب گفتن به سبک هالیوود



ایسن، برخی فیلم‌هایی هم که در مغرب زمین با مضامین به ظاهر دینی ساخته شده‌اند، درواقع فیلم‌هایی ضد دینی بوده‌اند. یعنی قصدشان این بوده که تصویری غلط و خرافی از عقاید مذهبی بازتولید کنند و به این وسیله در جریان بازگشت دوباره مردم جهان به دین، انحراف ایجاد کنند. نمونه بارز چنین فیلم‌هایی را می توان «ژویون» دانست که در آن داستانی درباره تصمیم پروردگار برای نابودی نسل انسان و مقابله فرشته‌ها با این خواسته ترسیم شده است. از این فیلم‌ها درهالیوود بسیار یافت می شود. فیلم‌هایی چون

«رمز دانوچی» و «آخرین وسوسه مسیح» هم مقام قدسی حضرت عیسی(ع) را مخدوش نشان داده و به آن پیامبر الهی توهین کرده‌اند. این‌ها هم نمونه‌های دیگری از سینمای به اصطلاح دینی در غرب است.

با این اوصاف جای بسی شگفتی است که هنرمندان محترم ما با الگو قرار دادن این نوع فیلم‌های خواننده به فرهنگ اسلامی مردم کشور ما جلا بدهند. حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت هم اگر بپردازیم که می‌توان داستان و ساختاری با الگوی فیلم‌های ماورایی هالیوود را مدنظر قرار داده و در آنها جهان‌بینی اسلامی را تزریق کنیم بازهم به‌صاحب گمراهی است. این دیدگاه ناشی از غفلت از موجد مهم رسانه‌ای است. اینکه اصلا در سینما

مذهبی و اخلاق‌گرا با مایه‌های مشابه سریال‌های ترکیه‌ای هستند؛ ازجمله موضوعاتی چون خیانت و روابط چند ضلعی و عشق‌های خیابانی و… سال‌ها پیش از آنکه سینما و تلویزیون ایران به سمت ساخت فیلم‌هایی با رویکرد مانع‌گرا برود، ایسن غربی‌ها بودند که از طریق چنین رسانه‌ای، تصورات خود درباره مراتب ناپیدی هستی و موجودات ماورایی را بر پرده سینما یا قاب تلویزیون نمایش دادند. غافل از اینکه اساسا در سینمای غرب- اغلب موارد- این‌گونه فیلم‌ها با اهداف غیردینی و با مقاصد سیاسی و اقتصادی ساخته می‌شوند. به عبارتی بهتر، آنها از نیاز فطری انسان‌ها به عبادت و بندگی خدا و ایمان به ماورا به سود خود سوءاستفاده کرده‌اند. به جز



شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی صداوسیما براساس اهداف وامورث‌هایی که برایشان تعریف شده اصولاً در مناسبت‌ها و ایام ماه‌های محرم، صفر، ماه مبارک رمضان و سایر مناسبت‌های مذهبی با تدارک برنامه‌های ویژه به استقبال این ایام می‌روند. در این یاد شده شاهد ویژه

برنامه‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی و نمایشی از رسانه ملی هستیم که در واقع باید گفت که به نوعی فضای فرهنگ سازی دینی و ارزشی از سوی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی رسانه ملی در کل جامعه شکل می‌گیرد، به‌ویژه در ماه مبارک رمضان که ماه نزدیک شدن به فیوضات الهی است و ماه عبادات خاص این ماه هست، حال و هوای برنامه‌های تولیدی و پخش برنامه‌ها با یک شور حال معنوی و الهی تقدیم مخاطبان می‌شود، در

می‌کنند و در همین مسیر این برنامه‌ها منشأ خیر و برکت در این ایام هم می‌شوند و بسیاری از بینندگان و مخاطبان شبکه‌ها با مشارکت در امر خیر و خا‌یساندانه فضای بسیار خوبی را ایجاد می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که مردم مسلمان و انقلابی ایران اسلامی در کارهای خیر و کمک به محرومان و مستضعفان جامعه همواره پیش قدم هستند و پخش ویژه برنامه‌های مناسبتی و بخصوص در ایام ماه مبارک رمضان از شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما انگیزه‌های

الدیلمی در این برنامه پرس‌تی‌وی تأکید کرد:

«یمن بعد از انقلاب دست دوستی به جمهوری اسلامی ایران داد و آن را به عنوان برادر خود دانست.»

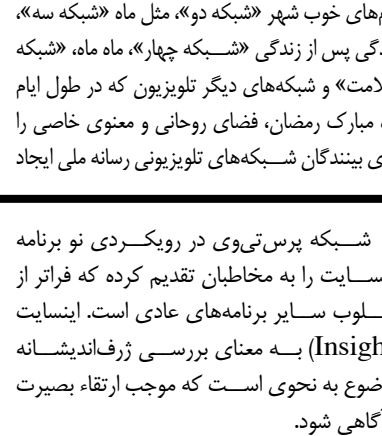
ایران نیز دولت نجات ملی یمن را که یک

شده‌ای و موسیقی و بازنگران اصلی زن مرد و به خصوص اسکار کارگردانی (که از شروط اصلی اسکار بهترین فیلم محسوب می‌شود) نقیبه نداشت!! گویا همان‌طور که تروی کوتسور (بازیگر نقش پدر خانواده در فیلم) روی صحنه و پس از دریافت جایزه اسکار گفت، همین که فیلم در کاخ سفید نمایش داده شد و مورد پسند جو و جیل بایدن قرار گرفت، کفایت می‌کرده است!!!

و فیلم «بلفگاست» علی‌رغم نامزدی بر ای ۶ جایزه، تنها اسکار بهترین فیلمنامه ایزینلار را گرفت در حالی که برای رشته‌های دیگر هم مدعی اصلی بود.
ظواهر اسکار نود و چهارم خواسته بود برای اولین بار از نظرات مخاطبین و تماشاگران نیز (به سبک و سیاق جشنواره فیلم فجر) به‌رمنند شود که این نظرات در ۲ گروه بهترین صحنه‌ها و محبوب‌ترین فیلم‌ها اعلام شدند و هیچ‌گونه جایزه‌ای هم در میان نبود!

اوج رسانه‌ای مراسم، نیز شوخی کریس راک با «جیدا پنکت» یعنی همسر ویل اسمیت بود که توضیح داده شد؛ از همان ابتدا به کچلی‌اش و مقایسه او با کاراکتر «دمی مور» در فیلم «جی ای جین» گیر داده شد و وقتی کریس راک آن را تکرار کرد، آنگاه بود که دوربین هم چهره ناراحت پنکت را نشان داد و لحظاتی بعد، ویل اسمیت به سوی راک رفت و با سیلی سختی او را نواخت؛ سپس به صندلی‌اش بازگشت و با صدای بلند کریس راک را خطاب قرار داد!

ابتدا تصور بر این بود که این هم جزئی از مراسم است (و شاید هم بوده) اما بعدا قضیه جدی شد و اشک‌های ویل اسمیت هم بعد از اعطای اسکار بهترین بازیگر مرد (که البته شایسته دریافت آن نبود) تأیید همان قضیه بود که توضیح داد جقدر باید بنشینیم و حرف‌های ناشایست بشنویم و لیخند بزیم! اما برخی این حرکت ویل اسمیت را حمل بر غیرت ناموسی و مانند آن نمودند، در حالی که اگر می‌دانستند ویل اسمیت و جیدا پنکت همین سال گذشته و در یک تاک شوی خانوادگی پس از افشای روابط نامشروع هر دو با افراد دیگر، ازدواج خود را از نوع باز و آزاد اعلام کردند، چنین قضایتی نمی‌کردندا!



اما اگرچه در طول مراسم اشنارتی هم به مدارج اوکراین شد و گویا یک دقیقه هم سکوت برایش

اعلام گردید ولی انگار آکادمی اسکار هم مانند مردم خود در سیستم غرب، همچنان با سیاست «جدار و مرز» و «شتر سواری دولا دولا» بیشتر سازگار است.

گویا قرار بود در این مراسم، حمایت‌های بسیاری از اوکراین صورت گیرد و حتی سخن از حضور زلنسکی (رئیس‌جمهوری اوکراین) ولو به صورت اینترنتی در مراسم به میان آمد که در اواسط آن و مابین یکی از بخش‌های اعطای جایزه هم اعلام شد میزبان بعدی لیدی گاگا و یک سورپرایز ویژه است که اغلب تصور کردند، قضیه همان حضور زلنسکی است ولی نشان به آن نشان که تا آخرین جایزه یعنی اسکار بهترین فیلم خیری از لیدی گاگا نشد و سورپرایز زلنسکی هم به «لیزا مینه لی» بروی ویلجر تبدیل گردید که به زور نام برنده را اعلام نمود!

اما به جز آن یک دقیقه سکوت، حمایت اسکار از اوکراین محدود شد به شعار ضعیف و نیم‌خورده «زندگیاد اوکراین» فرانسیس فورد کوپولا در انتهای سخنرانی کوتاهش که برای گرمیداشت پنجاهمین سالگرد فیلم «پدر خوانده» به همراه آل پانچینو و رابرت دونترو روی صحنه آمده بود که البته آنها در سکوت کامل آمدند و رفتند؛ برعکس گروه «پالپ فیکشن» یعنی جان تراولتا و اوما تورمن و سسمیوئل جکسون که برای ۲۸ سالگی(!) آن فیلم، بر سر و صدا آمدند و حتی آن رقص معروف تراولتا و تورمن را هم به صورت نمادین اجرا کردند!

به هر حال مراسم اسکار نود و چهارم با پوشیدن لباس خواب توسط همان سه کله بوک (چه ابتکار نوع‌آمیزی) به پایان رسید و یکی از خسته‌کننده‌ترین و کسالت‌بارترین برنامه‌هایی از این دست را به اتمام رساند.

نگاهی به مراسم اسکار ۲۰۲۲

بالاخره آکادمی اسکار موش زایید



بالاخره پس از دو سال و وعده و وعیده‌ها بسیار آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا برای برگزاری چنین و چنان مراسم اسکار ۲۰۲۲، به جرات می‌توان گفت که این بار شاهد، پرت و پلاترین مراسم اسکار چند دهه اخیر بودیم و به قول معروف بالاخره «کوه موش زایید»!

بعد از اینکه در اسکار ۲۰۱۹، «کوین هارت» را به دلیل یک اظهار نظر ضد همجنس‌گرایی (البته به خاطر دموکراسی سرشار در آمریکا) از میزبانی و اجرای مراسم اسکار نود و یکم اخراج کردند و در دو سال گذشته نیز مراسم اسکار بدون مجری خاصی برگزار گردید، سرانجام با حذف و اضافه وحواشی فراوان، سه دوبلور و استندآپ کم‌دین و بازیگر دست چندم یعنی «پمی شوهر» و «جیناهال» و «ووندا سایکس» را به عنوان میزبان یا Host و با همان مجری اصلی مراسم اسکار نود و چهارم انتخاب کردند که بیشتر سه کله‌بوک معروف فیلم‌های کم‌دی را نتعای می‌دهند با این تفاوت که اعمال احقانه و بلاهت‌آمیز آن سه کله‌بوک عمدا و با بهارت انجام می‌شد ولی حرکات ابلهانه این سه کله‌بوک (بیخشدید میزبانان اسکار ۲۰۲۲) به گونه غیر عمد و ناشیانه و ظاهر برای ایجاد سرگرمی و فضای مفرح صورت می‌گرفت ولی به شکل حماقت‌بار و توهنج‌آوری بروز می‌گردا خصوصا در صحنه‌ای که یکی از آنها اسپایدرمن شده و از سقف آویزان شد!!

شیوه آغاز مراسم هم همان بود که مثلا بلی کریستال و وویی گل‌دبرگ و حتی جان استوارت و جیمی کیمل و… اجرا می‌کردند، یعنی شوخی با نامزدهای اسکار. اما شوخی‌های این سه نفر (کله بوک) واقعا کسل‌کننده و حال به هم زن بود و خصوصا از همان لحظات اول شروع به شوخی‌های آنچنانی با ویل اسمیت و همسرش جیدا پنکت کردند که بالاخره به آن انفجار نهایی انجامید!

برگزاری اصل مراسم هم به‌گونه‌ای بود که گویا اساسا تکلیف مدیران آن با خودشان روشن نبود و درک نمی‌شد که به اصطلاح چند چند هستند!!

تعدادی از حاضرین مانند مراسم گلدن گلوب و البته مراسم اسکار سال گذشته، پیرامون میزهایی نشسته بودند که ظاهرا جمع کلندیدهای فیلم‌های مختلف را تشکیل می‌دادند و بقیه پشت آنها و میله‌هایی، در کنار هم و مثل گذشته قرار داشتند.

علی‌رغم این وضعیت اما یک دفعه «اندرو گارفیلد» را مشاهده می‌کردیم که با وجود نامزدی برای بهترین بازیگر نقش اول مرد در میان همان بقیه، سرک می‌کشد تا مراسم را بهتر ببیندبه دلیل محدودیت‌های کرونا و قبل از آغاز مراسم هم برای کوتاه کردن زمان آن نتایج ۷ رشته از جوایز (تدوین و موسیقی و صدا و طراحی تولید و طراحی‌فیلم و فیلم و انیمیشن- کوتاه) اعلام شد تا انجام آنها، زمان مراسم را طولانی نکند اما طرفه آنکه پس از شروع و در قسمت‌های مختلف، بازهم تصاویر اعطای جوایز و سخنرانی برگزیدگان همان ۷ رشته پخش شد و تقریبا همان زمان را از مراسم اسکار ۲۰۲۲ اشغال نمود و بازهم آن را به حدود ۴ ساعت رسانید!!

اما اصل ماجرا خود جوایز بود که بسیار پرت و پلا و بی‌منطق و بی‌کش و پیمان، تقسیم شد؛ به‌طوری که یک فیلم اسکار بهترین کارگردانی را گرفت و یک فیلم دیگر اسکار بهترین فیلم را دریافت نمود!

فیلم «قدرت سگ» که نامزد ۱۲ جایزه اسکار بود، تنها اسکار بهترین کارگردانی را گرفت بدون آنکه از فیلمبرداری و تدوین و طراحی صحنه و صدا و… که رابطه بسیار نزدیک با کارگردانی داشته و اساسا بازوهای کمک‌کننده و اصلی آن به ششمار می‌روند، نصیبی برسد و برعکس فیلم «تماسه» که ۶ جایزه اسکار بهترین تدوین و فیلمبرداری و موسیقی و طراحی تولید و جلوه‌های ویژه و صدا را به خود اختصاص داد، از دریافت اسکار بهترین کارگردانی با ماند!

فیلم «کودا» تنها با دریافت اسکار بهترین بازیگر نقش مرد و فیلمنامه اقتباسی به جایزه بهترین فیلم دست یافت؛ در حالی که از اسکارهای بهترین فیلمبرداری و تدوین و موسیقی و بازیگران اصلی زن مرد و به خصوص اسکار کارگردانی (که از شروط اصلی اسکار بهترین فیلم محسوب می‌شود) نصیبی نداشت!! گویا همان‌طور که تروی کوتسور (بازیگر نقش پدر خانواده در فیلم) روی صحنه و پس از دریافت جایزه اسکار گفت، همین که فیلم در کاخ سفید نمایش داده شد و مورد پسند جو و جیل بایدن قرار گرفت، کفایت می‌کرده است!!!

و فیلم «بلفگاست» علی‌رغم نامزدی بر ای ۶ جایزه، تنها اسکار بهترین فیلمنامه ایزینلار را گرفت در حالی که برای رشته‌های دیگر هم مدعی اصلی بود.

ظواهر اسکار نود و چهارم خواسته بود برای اولین بار از نظرات مخاطبین و تماشاگران نیز (به سبک و سیاق جشنواره فیلم فجر) به‌رمنند شود که این نظرات در ۲ گروه بهترین صحنه‌ها و محبوب‌ترین فیلم‌ها اعلام شدند و هیچ‌گونه جایزه‌ای هم در میان نبود!

اوج رسانه‌ای مراسم، نیز شوخی کریس راک با «جیدا پنکت» یعنی همسر ویل اسمیت بود که توضیح داده شد؛ از همان ابتدا به کچلی‌اش و مقایسه او با کاراکتر «دمی مور» در فیلم «جی ای جین» گیر داده شد و وقتی کریس راک آن را تکرار کرد، آنگاه بود که دوربین هم چهره ناراحت پنکت را نشان داد و لحظاتی بعد، ویل اسمیت به سوی راک رفت و با سیلی سختی او را نواخت؛ سپس به صندلی‌اش بازگشت و با صدای بلند کریس راک را خطاب قرار داد!

ابتدا تصور بر این بود که این هم جزئی از مراسم است (و شاید هم بوده) اما بعدا قضیه جدی شد و اشک‌های ویل اسمیت هم بعد از اعطای اسکار بهترین بازیگر مرد (که البته شایسته دریافت آن نبود) تأیید همان قضیه بود که توضیح داد جقدر باید بنشینیم و حرف‌های ناشایست بشنویم و لیخند بزیم! اما برخی این حرکت ویل اسمیت را حمل بر غیرت ناموسی و مانند آن نمودند، در حالی که اگر می‌دانستند ویل اسمیت و جیدا پنکت همین سال گذشته و در یک تاک شوی خانوادگی پس از افشای روابط نامشروع هر دو با افراد دیگر، ازدواج خود را از نوع باز و آزاد اعلام کردند، چنین قضایتی نمی‌کردندا!



اما اگرچه در طول مراسم اشنارتی هم به مدارج اوکراین شد و گویا یک دقیقه هم سکوت برایش اعلام گردید ولی انگار آکادمی اسکار هم مانند مردم خود در سیستم غرب، همچنان با سیاست «جدار و مرز» و «شتر سواری دولا دولا» بیشتر سازگار است.

گویا قرار بود در این مراسم، حمایت‌های بسیاری از اوکراین صورت گیرد و حتی سخن از حضور زلنسکی (رئیس‌جمهوری اوکراین) ولو به صورت اینترنتی در مراسم به میان آمد که در اواسط آن و مابین یکی از بخش‌های اعطای جایزه هم اعلام شد میزبان بعدی لیدی گاگا و یک سورپرایز ویژه است که اغلب تصور کردند، قضیه همان حضور زلنسکی است ولی نشان به آن نشان که تا آخرین جایزه یعنی اسکار بهترین فیلم خیری از لیدی گاگا نشد و سورپرایز زلنسکی هم به «لیزا مینه لی» بروی ویلجر تبدیل گردید که به زور نام برنده را اعلام نمود!

اما به جز آن یک دقیقه سکوت، حمایت اسکار از اوکراین محدود شد به شعار ضعیف و نیم‌خورده «زندگیاد اوکراین» فرانسیس فورد کوپولا در انتهای سخنرانی کوتاهش که برای گرمیداشت پنجاهمین سالگرد فیلم «پدر خوانده» به همراه آل پانچینو و رابرت دونترو روی صحنه آمده بود که البته آنها در سکوت کامل آمدند و رفتند؛ برعکس گروه «پالپ فیکشن» یعنی جان تراولتا و اوما تورمن و سسمیوئل جکسون که برای ۲۸ سالگی(!) آن فیلم، بر سر و صدا آمدند و حتی آن رقص معروف تراولتا و تورمن را هم به صورت نمادین اجرا کردند!

به هر حال مراسم اسکار نود و چهارم با پوشیدن لباس خواب توسط همان سه کله بوک (چه ابتکار نوع‌آمیزی) به پایان رسید و یکی از خسته‌کننده‌ترین و کسالت‌بارترین برنامه‌هایی از این دست را به اتمام رساند.